

۴۱ - توضیحاتی در قواعد لفظیه

و نیز از حضرت نقطه در صحیفه العدل است قوله الاعلی: و اینکه در بعضی مقامات تبدیل کلمات و در بعضی بخلاف قواعد اهل سبحات جاری گشته لاجل این است که مردم یقین نمایند که صاحب اینمقام بر سبیل تحصیل اخذ آیات و علوم نکرده بل بنور الله صدر آن منشرح بعلم الهیه شده و حکم تبدیل را بشأن بدیع و خلاف قواعد را بقاعده الهیه راجع نمایند چنانچه امثال اینکلمات در کتاب الله اکثر من ان یحصی نازل شده چنانچه کلمه ای که مقام آن تانیث است خداوند عالم ضمیر مذکر نازل فرموده فی قوله و کلمة منه اسمه المسيح و در مقام صفت مؤنث احدی الکبر نازل فرموده فی قوله جل و علا انها لاحدی الکبر نذیرا للبشر ... و چنانچه نازل فرموده بخلاف قواعد کل اهل علم این کلمه را آن هذان لساحران .

و از آن حضرت در تفسیر سوره کوثر است قوله الاعلی: و کل ما رأیت من ایاتی قد افتری المفترون فیها و بعض منها لم یقدر الکاتبون ان یستنسخوا صور الواقع و لذا یقول الناس فیہ لحن و بعض یقول لیس فیها ربط فاعوذ بالله من عملهم و افتراءهم و کلماتی من الایات بغير ذلك النهج العدل فانی اما برئ من المشرکین .

و از حضرت بهاء الله در لوحی است قوله الاعلی: بنام دوست بینام کتابت لدی الوجه حاضر آنچه مسطور مذکور آمد و شنیده شد انشاء الله همیشه ایام بذکر مالک انام مشغول باشید آنچه سؤال شده بود از آیه منزله در هیکل که بملوک خطاب شده صحیح همان است که نازل شده کلمه ترک نشده حرکت قلم اعلی در میادین الواح باطوار مختلفه مشاهده میشود در مقامی مطلب بایجاز نازل این بیان موسوم است بسهل و ممتنع در مقامی جمع بین مقامین لذا در سوره ملوک آیات مذکوره باختصار ذکر شده و این افصح است اذا قیل بای جرم جسو قالوا انهم ارادوا ان یجددوا الدین که معنی آن اینست اگر گفته شود بچه جرم و عصیان نیر امکان را حبس نمودند گویند این قوم اراده نمودند که دین را تجدید نمایند از مصدر اعلی جواب نازل اگر قدیم را اختیار نموده اید و اوست پسندیده نزد شما چرا شرایع قبل را ترک نموده اید در اول این آیه قل مقدر است که چنین میشود قل لو کان القدیم هو المختار الی آخر و چون از بیان رحمن معنی قل مفهوم میشود لذا ذکر نشد و این مقام ظهور کمال فصاحت است باری این آیه ترک نداشته و صحیح است و آنچه در آیه آخری مذکور داشتید قوله تعالی ان اطلع من افق الانقطاع بوده و اینکه از آیه منزله در لوح پاپا سؤال نمودید این عبارات تلویحات کلمات این است که ذکر شده در مقامی میفرماید قوله و اقول لکم ان کثیرین سیأتون من المشارق و المعارب و یتکتون علی ابراهیم و اسحق و یعقوب فی ملکوت السموات و اما بنو الملکوت فیطرحون الی الظلمة الخارجیة هناك و یكون البکاء و صریر الاسنان و در مقام دیگر مذکور انّ النور قد جاء الی العالم و احب الناس الظلمة اکثر من النور لان اعمالهم کانت شریره لان کل من یعمل السیئات سیفعل النور و لا یاتی الی النور لثلا توخ اعمالهم و اما من یفعل الحق فیقبل الی النور لکی تظهر اعماله انها بالله معموله انتهى .

و از دو فقره مذکور تلویح بیان مالک اسماء در آیه منزله معلوم میشود بعضی از آیات در بعضی الواح راجع است بکتاب قبل و ما سطر فیها .

و لوحی دیگر خطاب بزین المقربین است قوله الاعلی الاعظم الاقدم کتابت بمنظر اکبر وارد و آنچه از آیات الهیه سئوال نموده بودید عبد حاضر لدی الوجه ارسال مینماید ان یا زین تعویق جواب ما سألته فی الآیات حفظ تغییر بوده چه که در اوائل ابدا در حین نزول ملاحظه قواعد قوم نمیشد و این ایام نظر بحکمت ملاحظه میشود لذا اگر لوحی از قبل تلقاء وجه قرائت شود ینزل فی بعض المقام بغیر ما نزل من قبل این نظر بظاهر عبارت است و فی الحقیقه آنچه نازل همان صحیح بوده و خواهد بود در ارض سر اراده چنان بود که قواعدی در علم الهیه نازل شود تا کل مطلع نظر باحزان وارده و اشغال متواتره و ابتلاهای متتابعه تأخیر افتاده و دیگر سبب اعظم آنکه هر مجهول کلمات مجعوله ترکیب نماید و ناس نظر بآن قواعد صحیح دانسته مع آنکه اگر از خود او سئوال شود عالم بحر فی نبوده چنانچه در یحی و اتباعش مشاهده مینمایند العلم فی قبضته یقلب کیف یشاء مثلا در بعض مقام آیه بر حسب قواعد ظاهر باید مرفوع و یا مجرور باشد منصوب نازل شده درین مقام یا کان مقدر است و یا امثال آن از حروف ناصبه و مواضع آن و اگر مقامی مجرور نازل شده و بر حسب ظاهر بین قوم دون آن مقرر است درینمقام حرف جر و یا مضاف که علت جر است محذوف و این قاعده را در کل جاری نمائید و همچنین در بعضی مواقع نظر بطراز آیات است لا نحب ان نذكر القافیه فی هذا المقام و همچنین نزد ائمه نحو فعل لازم در سه مقام بطراز متعدی ظاهر بالتکریر و الباء و الهمزه این در نزد قوم معتبر است و لکن در علم الهی بقیرینه مقام فعل لازم رفع ارفع نازل و امثال آن در کتب سماویه از قبل هم بوده و این در مقام تاکید است لا بأس باری ایزین المقربین جمال مبین بین حزین مبتلا اگر آفرینش مطلع شود که صریر قلم اعلی در چه حالتی مرتفع است و لسان عظمت در چه بلائی ناطق کل لباس هستی را خلع نمایند و طراز نیستی طلب کنند هزار سنه او از ید ما بین علمای اسلام نزاع و جدال بوده که آیا واضع الفاظ حق است و یا غیر او حال مع ظهور حق در منزل من عنده اعتراض نموده و مینمایند چنانچه که کریم کرمانی و همچنین علمای عصر اعتراضات لا یحصی در کلمات الهی نموده اند و شنیده اید اگر چه از قبل امثال اینمطالب مذکوره نازل و لکن المسک کما یتکرر یتضوع و اکثری از الواح در احیانی نازل که مجال رجوع بآن نشده آنچه از قلم عبد حاضر تلقاء وجه جاری شد همان باطراف منتشر لذا احتمال آنکه در بعضی مواضع ترک شده باشد و یا زیاده و کم می‌رود چه که احدی قادر نیست در حین تنزیل آنچه نازل میشود بتمامه تحریر نماید آنچه در اینمقامات سئوال شود محبوب بوده و خواهد بود اگر چه نزد مسجون تنزیل جدید احب است از رجوع بما نزل من قبل و الرجوع الیه الاولی اسهل و مالک العلل ... از کلمات مکنونه ذکر نموده بودید بعضی از آن در یک لوح مرة واحده نازل و لکن در بعضی احیان فقرات دیگر نازل شد بعضی کل را جمع نموده اند و بعضی متفرق است اگر جمع شود احسن بوده عند الله ربک و رب العالمین .